



حکومت‌داری طالبانی در سمنگان؛

فرماندهان از خویش و قوم خود را در بست‌های دولتی مقرر کرده‌اند



همزمان با افزایش انتقادات از تقرر افراد بر اساس قرابت و شناخت با فرماندهان طالبان در اداره‌های دولتی، ملاهبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، طی فرمانی تقریری‌ها بر اساس قرابت در دواير دولتی را منع کرد. با وجود این که یک ماه از صدور این فرمان می‌گذرد، اما مسوولان محلی طالبان در ولایت‌های شمال کشور به‌ویژه در سمنگان، افراد نزدیک به خود را از بست‌های مهم دولتی برکنار نکرده‌اند. منابع ادعا دارند که شماری از مقام‌های محلی طالبان در سمنگان ده‌ها تن از اقارب نزدیک و روستاییان خود را...

۵

نکاتی در باب اسلام و کنیزداری



۶

نهاد مدرسان یا مهمان‌سرای طالبان؛

یوناما گزینه خروج از افغانستان را بررسی می‌کند



۳ صفحه

جبهه آزادی کشته شدن اکمل امیر را تأیید نکرد

۸ صبح، کابل: به دنبال نشر گزارش‌هایی از کشته شدن اکمل امیر و دست‌کم شش تن دیگر از نیروهای جبهه آزادی، اکنون این جبهه از کشته شدن شش تن از نیروهایش خبر داده و گفته است که از سرنوشت اکمل امیر در حال حاضر اطلاع دقیقی در دست نیست.

جبهه آزادی افغانستان سه‌شنبه‌شب، ۲۲ حمل، با نشر خبرنامه‌ای گفته است که بصیر اندرابی، فهیم سالنگی، برهان اندرابی، قربان‌علی بامیانی، صبور فرایابی و حسین سمنگانی در نبردهای دو روز گذشته در سالنگ جنوبی توسط طالبان کشته شده‌اند، اما از سرنوشت شماری از نیروهایش به شمول اکمل امیر اطلاعی در دست نیست.

به گفته این جبهه، شماری از نیروها به نقاط مصون رسیده‌اند.

جبهه آزادی مدعی شده است که جنگ‌های شدیدی در سه روز گذشته میان نیروهای این جبهه و طالبان در ارتفاعات سالنگ جنوبی صورت گرفته که بیش از ۳۰ تن از جنگ‌جویان طالبان نیز در این نبردها کشته شده‌اند. این جبهه افزوده است که تصویرهای نشرشده مرتبط به نبردهای اخیر از سوی طالبان جعلی است.

این در حالی است که وزارت دفاع طالبان مدعی کشتن هشت تن از نیروهای جبهه آزادی، به شمول اکمل امیر، در ولسوالی سالنگ ولایت پروان شده است. برپایه گزارش‌های نشرشده، در پی درگیری دوشنبه‌شب، ۲۱ حمل، در کوه‌های ولسوالی شتل ولایت پنجشیر، اکمل امیر، فرمانده و بصیر اندرابی، معاون او، با دست‌کم شش تن دیگر از اعضای جبهه آزادی، کشته شده‌اند.

شرکت فناوری اصیل در یک رقابت در بخش تکنولوژی جایگاه نخست را به دست آورد

در خبرنامه یادشده همچنان افزوده شده است: «فناوری نوآورانه اصیل هنوز در حال توسعه است و مبتنی بر توانمندسازی جوامع توسعه‌نیافته و در حال توسعه برای پیوستن به اقتصاد دیجیتال است. این سیستم از ترکیبی از فناوری پیشرفته برای کمک به صنعت‌گران در کشورهای مانند افغانستان و ترکیه استفاده می‌شود و آنها را قادر می‌سازد تا محصولات دست‌سازشان را به مشتریان در سطح جهانی بفروشند.»

آقای خالد گفته است: «این فناوری پتانسیل تغییر نرخ اقتصاد جوامع توسعه‌نیافته و در حال توسعه را دارد.»

وی افزوده است: «ما از این‌که توسط XtremeTech به رسمیت شناخته شده‌ایم، هیجان‌زده‌ایم.»

قرار است این تیم جایزه ۱۰۰ هزار دلاری را نیز از سوی نهاد جهانی «XtremeTech» به دست آورد.

جان اسمیت، مدیرعامل XtremeTech گفته است: «ما از کیفیت و نوآوری ورودی‌هایی که برای چالش دریافت کردیم، شگفت‌زده شدیم. راه‌حل‌های تکنولوژیکی اصیل واقعاً برجسته بودند و ما منتظریم تا ببینیم آن‌ها در آینده به چه چیزی دست خواهند یافت.»

«XtremeTech» یک رقابت برتر فناوری در جهان است که درخشان‌ترین ذهن‌ها و خلاقانه‌ترین ایده‌ها را از سراسر جهان گرد هم می‌آورد. با چالش‌هایی که در سراسر کشورهای جهان وجود دارد، XtremeTech به دنبال شناخت و دادن پاداش به امیدوارکننده‌ترین راه‌حل‌های فناوری، از هوش مصنوعی و رباتیک گرفته تا انرژی‌های تجدیدپذیر و بیوتکنولوژی است.



۸ صبح، کابل: یک شرکت فن‌آوری افغانستانی به نام «اصیل» در یک رقابت فناوری جهانی تحت نام «Japan Challenge» برگزار شده بود، جایگاه نخست را به دست آورده است. «XtremeTech» برگزارکننده این رقابت، روز سه‌شنبه، ۱۱ مارچ، اعلام کرده است که شرکت فناوری اصیل به رهبری نصرت خالد، با به دست آوردن این پیروزی، افغانستان را در نقشه نوآوری فناوری قرار داده است.

این نهاد افزوده: «پس از یک پروسه گزینش دقیق، داوران برنده «چالش جاپان» را تیم شرکت افغان اصیل به رهبری آقای نصرت خالد اعلام کردند. این تیم داوران را با فناوری پیش‌گام خود تحت تأثیر قرار داد که پتانسیل برقراری ارتباط سه میلیارد تن در جوامع توسعه‌نیافته را با اقتصاد دیجیتال دارد.» در خبرنامه نهاد تصریح شده است: «اصیل، یک نوآوری فناوری با تمرکز بر تأثیرات اجتماعی، با ۸۴ درصد از بودجه به دریافت‌کننده‌گان، مؤثرترین مکانیسم را برای توزیع کمک‌های بشردوستانه ایجاد کرده است. در افغانستان، برنامه جهانی غذا دارای نرخ مشارکت بالای ۵۰ درصد است. با بیش از ۱.۵ میلیون دالر کمک‌های، ابتکار عمل این شرکت، در افغانستان راه‌اندازی و آزمایش شد؛ جایی که بیش از ۵۰۰۰۰۰ افغان از آن بهره‌مند شده‌اند. این برنامه شفافیت و راستی‌آزمایی بی‌نظیری را فراهم می‌کند و بسیار کارآمد است و هر شرکت‌کننده در این برنامه کمک دریافت می‌کند.»

محدودیت طالبان بر کاسبان؛ کست فروشان و صاحبان گیم‌زون‌ها بیکار شده‌اند



۵ صفحه

کشته شدن دو فرمانده ضد طالبان؛ مسعود بر ضرورت ایجاد هماهنگی و وحدت عمل تأکید کرد



۲ صفحه

تنش بر سر زمین در غور یک کشته برجای گذاشت

۸ صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور می‌گویند که در پی تنش بر سر زمین در این ولایت، یک مرد کشته شده است. این رویداد روز سه‌شنبه، ۲۲ حمل، در منطقه «جر چقور» از مربوطات شهر فیروزکوه، مرکز ولایت غور، به وقوع پیوسته است. در پی این رویداد، یک مرد به نام ضیال‌الحق توسط پلوان شریکش با ضرب گلوله به قتل رسیده است. طالبان در غور نیز وقوع این رویداد را تأیید کرده و گفته‌اند که این گروه، سه تن را به اتهام این قتل بازداشت کرده‌اند. تنش بر سر زمین هرازگاهی در کشور منجر به درگیری مرگبار می‌شود. طی چند سال اخیر موارد زیادی از درگیری بر سر زمین گزارش شده است.



جهان و طالبان؛ پول بلی، به رسمیت‌شناسی نخیر!

مردم افغانستان حیران مانده‌اند. نه از کار طالب سر در می‌آورند و نه از کار کشورهای همسایه و جامعه جهانی. از یک سو می‌بینند که پس از گذشت نزدیک به دو سال از قدرت گرفتن این گروه و سیطره یافتن بر افغانستان، هنوز حتی یک کشور هم نیست که آماده باشد حاکمیت طالبان را به عنوان دولت مشروع این کشور به رسمیت بشناسد و ظاهراً همه بر این موضوع اجماع دارند. از دیگر سو، بسته‌های ۴۰ میلیون دلاری بلاوقته به سوی این گروه روان است و افزون بر آن، مساعدت‌های مالی و غیر مالی فراوان دیگر نیز از سایر کشورها دریافت می‌کند. مردم افغانستان می‌گویند اگر به رسمیت نشناختن این گروه، به این علت است که ابتدایی‌ترین اصول و مبادی حقوق بشر را قبول ندارد، به رأی و خواست مردم کوچک‌ترین اعتنایی نشان نمی‌دهد، زن‌های افغانستان را گروگان گرفته است تا به این وسیله از جامعه جهانی باج بگیرد، به کادرهای علمی و تخصصی افغانستان ارزشی قابل نیست و فرار مغزها از کشور را به شکل هدفمند دنبال می‌کند، روشنفکران را دشمن خود می‌شمارد تا هیچ صاحب‌اندیشه‌ای امکان نفس کشیدن و سخن گفتن پیدا نکند، نیروهای سیاسی را وادار به تبعید کرده است تا صحنه برای یک‌تازیش مساعدتر شود و گروه‌های تروریستی را در سایه خود پناه داده است تا این کشور را به پایگاه تروریسم تبدیل کند، همه این‌ها کاملاً برای هر صاحب عقل سلیمی قابل درک است و مردم افغانستان از این بابت از همسایه‌گان و از جامعه جهانی سپاس‌گزارند. پرسشی که اما همچنان هر شهروند آگاه این کشور را می‌آزارد این است که پس این همه مدارا با یک گروه سرکوب‌گر و ضد حقوق بشر برای چیست؟ به جای این که گروهی با چنین کارنامه‌ای در معرض اقدامات کیفری لازم قرار بگیرد، چرا دل‌جویی و استمالت از آن در دستور کار قرار دارد؟ چرا این همه کمک مالی و غیرمالی در اختیار آن قرار می‌گیرد؟ چرا هیچ نظارت درستی بر این کمک‌ها و نحوه استفاده از آن‌ها وجود ندارد؟ در دوران جمهوریت بوق و کرنای رسانه‌ها، چه داخلی و چه خارجی، گوش همه را کر کرده بود که فساد و اختلاس وجود دارد و البته وجود داشت، اما امروز که میزان حیف‌ومیل بیشتر از آن زمان جریان دارد، حتا اظهار نگرانی هم صورت نمی‌گیرد. مردم می‌پرسند که خطر فساد در دوران جمهوریت بیشتر بود یا سرازیر کردن بی حساب و کتاب میلیون‌ها دالر به گروهی که هزاران تروریست خارجی را با این پول‌ها حمایت و تقویت می‌کند؟ بخشی از این پول مستقیماً به جیب رهبران طالبان می‌رود تا توان سربازگیری بیشتری پیدا کنند و بخشی دیگر صرف برنامه‌هایی می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم به ترویج افراطیت و تروریسم می‌انجامد. اگر این پول و امکانات نمی‌بود، این همه سرکوب نیروهای مردمی در پنجشیر، کنر، اندراب، قندهار، بدخشان و سایر مناطق افغانستان به این آسانی صورت نمی‌گرفت. اگر این کمک‌ها نمی‌بود، غرور این گروه در برابر مردم افغانستان به این درجه افزایش نمی‌یافت.

تحلیل‌گران سیاسی می‌دانند که به رسمیت نشناختن بعضی دولت‌ها برای نگرانی از افکار عمومی مردمان‌شان است و پول‌هایی که می‌دهند برای حساب‌هایی که روی این گروه باز کرده‌اند تا از آن در جنگ‌های نیابتی‌شان برای آینده بهره بگیرند. اما سیاست یک بام و دو هوای کشورها در برابر گروهی سرکوبگر که یک ملت را به گروگان گرفته است تا کی ادامه خواهد یافت؟

کشته شدن دو فرمانده ضد طالبان؛ مسعود بر ضرورت ایجاد هماهنگی و وحدت عمل تأکید کرد



۸ صبح، کابل: رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان در واکنش به کشته شدن اکمل امیر و بصیر اندرابی، دو فرمانده جبهه آزادی، گفته است که این رویداد یک بار دیگر ضرورت ایجاد هماهنگی و وحدت عمل در میان تمام نیروهای مخالف طالبان را برجسته کرده است.

احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان، روز سه‌شنبه، ۲۲ حمل، با نشر پیامی در برگه فیس‌بوکش نوشته است که امید دارد تا با تلاش‌هایی که در این راستا وجود دارد، به‌زودی شاهد ایجاد یک چتر بزرگ برای انسجام و بسیج همه «نیروهای ضد طالبان» باشد.

در همین حال، صلاح‌الدین ربانی، رهبر حزب جمعیت اسلامی افغانستان، با نشر پیامی در صفحه فیس‌بوکش به مرگ این دو فرمانده واکنش نشان داده است.

گفتنی است که منابع روز سه‌شنبه، ۲۲ حمل، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفتند که در پی درگیری دوشنبه‌شب، ۲۱ حمل، در کوه‌های ولسوالی شتل ولایت پنجشیر، اکمل امیر، فرمانده و بصیر اندرابی، معاون او، با دست‌کم هشت تن از اعضای جبهه آزادی، کشته شدند. وزارت دفاع طالبان نیز این خبر را تأیید کرده است. جبهه آزادی تا کنون در این مورد چیزی نگفته است.

دختر جوانی در ننگرهار خودکشی کرد



۸ صبح، کابل: منابع محلی در ننگرهار می‌گویند که یک دختر جوان در شهر جلال‌آباد، مرکز این ولایت، خودکشی کرده است.

یک منبع معتبر محلی به شرط افشا نشدن نامش به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که این رویداد پس از چاشت روز دوشنبه، ۲۱ حمل، در ساحه بگرامی

از بخش‌های مربوط به ناحیه هفتم شهر جلال‌آباد رخ داده است.

گفته می‌شود که جسد این دختر جوان شب گذشته در نزدیکی پل بهسود از دریا بیرون کشیده شده است.

منبع دلیل خودکشی این دختر جوان را جنجال‌های خانواده‌گی بیان کرده است.

طالبان در ننگرهار هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

اکثر رویدادهای خودکشی در میان دختران جوان در ولایت‌های شرقی افغانستان به دلیل ازدواج‌های اجباری رخ می‌دهد. حدود شش ماه پیش نیز دختر جوانی در ننگرهار به این دلیل خودکشی کرد.

افراد ناشناس یک منسوب پیشین امنیت ملی را در کابل کشتند



۸ صبح، کابل: منابع در شهر کابل می‌گویند که یک منسوب ریاست امنیت ملی در حکومت پیشین از سوی افراد مسلح ناشناس در این شهر با شلیک گلوله کشته شده است.

به گفته منابع، این منسوب ریاست امنیت ملی که حامد یمین نام داشت، دوشنبه‌شب، ۲۱ حمل، در مقابل خانه‌اش در ساحه خوشحال خان شهر کابل به قتل رسیده است.

براساس اطلاعات منابع، حامد پسر جنرال مظفرالدین یمین، والی میدان‌وردک در حکومت پیشین، نیز بوده است.

جسد حامد امروز در ساحه خوشحال خان شهر کابل

به خاک سپرده شده است.

طالبان هنوز در مورد این رویداد چیزی نگفته‌اند. اخیراً قتل نظامیان حکومت پیشین از سوی افراد ناشناس در ولایت‌های مختلف افغانستان افزایش یافته است.

به ۲۰۰ خانواده بی‌جاشده در نیمروز بسته‌های سولری توزیع شد



۸ صبح، نیمروز: منابع محلی در نیمروز می‌گویند که به ۲۰۰ خانواده بی‌جاشده داخلی در این ولایت از سوی سازمان‌های امداد‌رسان بین‌المللی بسته‌های سولری توزیع شده است.

منابع محلی در نیمروز می‌گویند که خانواده‌های

بی‌جاشده این بسته‌های سولری را روز دوشنبه، ۲۱ حمل، دریافت کرده‌اند.

دو پایه باتری ۲۰۰ آمپیر، دو تخته سولر با تجهیزات آن و مبلغ ۱۸۰۰ افغانی پول نقد برای نصب سولرها شامل این بسته‌های کمکی بوده است.

خانواده‌های بی‌جاشده‌ای که این کمک‌ها را دریافت کرده‌اند، در ولسوالی‌های خاشرود و دلارام هلمند به‌سر می‌برند.

این در حالی است که دو روز پیش نیز کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهنده‌گان ۳۵ میلیون افغانی به بیش از یک هزار خانواده بی‌جاشده ناشی از جنگ در ولایت جوزجان توزیع کرد.

توانایی امریکا برای مبارزه با تروریسم در افغانستان به دو درصد رسیده است

۸ صبح، کابل: رسانه‌های بین‌المللی به نقل از کارشناسان غربی گزارش داده‌اند که توانایی امریکا برای مبارزه با القاعده و داعش در افغانستان از زمانی که از این کشور خارج شده، به دو درصد محدود شده است.

فاکس‌نیوز ناوقت روز دوشنبه، ۲۱ حمل، به نقل از بیل روجیو سردبیر «مجله جنگ طولانی» گزارش داده که حملات اخیر داعش بیانگر عدم توانایی امریکا در اجرای عملیات‌های ضدتروریستی در افغانستان است.

براساس گفته‌های روجیو، جمع‌آوری اطلاعات و راه‌اندازی عملیات‌ها از راه دور سبب تضعیف توانایی‌های پنتاگون در هدف قرار دادن شاخه خراسان داعش و حلقات مربوط به القاعده در افغانستان شده است.

به باور روجیو، با وجود وعده‌های پیش از خروج امریکا از افغانستان که می‌تواند مبارزه با تروریسم را از راه دور ادامه دهد، از زمان بیرون شدن نیروهای خارجی حملات بر اهداف تروریستی در افغانستان نادر بوده و دلیل آن محاصره خودخواسته امریکا از سوی طالبان است.

سردبیر «مجله جنگ طولانی» تأکید کرده که اسارت ده‌ها امریکایی در نزد طالبان دستان واشنگتن را برای راه‌اندازی عملیات‌های ضد تروریستی در افغانستان بسته است.

او افزوده است: «آن‌ها نمی‌خواهند القاعده را هدف قرار دهند، نمی‌خواهند طالبان را سرکوب کنند. دولت به خود اجازه می‌دهد که گروگان‌های طالبان باشد.»

این کارشناس غربی معتقد است که القاعده در افغانستان زیر سایه و حمایت طالبان فعالیت آزادانه دارد؛ اما شاخه خراسان داعش با فعالیت پنهانی با هر دو گروه در مبارزه است.

این در حالی است که در اوایل سال جاری میلادی جنرال مایکل کوریلو، رییس فرماندهی مرکزی امریکا، به قانون‌گذاران این کشور هشدار داد که شاخه خراسان داعش می‌تواند تا چند ماه آینده بر اهدافی در امریکا حمله کند.



توماس وست با رهبران سیاسی و فعالان حقوق بشری افغانستان دیدار می‌کند

۸ صبح، کابل: وزارت خارجه امریکا می‌گوید که قرار است توماس وست، نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان، با رهبران سیاسی، خبرنگاران، فعالان مدنی و حقوق بشری و بازرگانان کشور دیدار کند.

این وزارت روز سه‌شنبه، ۲۲ حمل، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که قرار است این دیدارها به صورت جداگانه از تاریخ ۱۱ تا ۱۸ مارچ، در کشورهای قطر، امارات متحده عربی و ترکیه انجام شود.

هرچند وزارت خارجه امریکا به‌گونه دقیق در مورد هدف سفر آقای وست چیزی نگفته، اما افزوده است: «در حالی که جامعه بین‌المللی به دنبال راه‌حلی برای چالش‌های افغانستان است که با تصمیم‌های اخیر طالبان برای محدود کردن مشارکت زنان در عملیات‌های بشردوستانه و منع آن‌ها از فعالیت‌های حیاتی خود برای سازمان ملل بدتر شده است، مأموریت‌های توماس وست در حال گسترش در منطقه است تا ورودی‌ها را تضمین کند.»

نهاد مدرسان یا مهمان سرای طالبان؟

یوناما گزینه خروج از افغانستان را بررسی می کند



امین کاوه

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) روز سه شنبه، ۲۲ حمل، با نشر بیانیه‌ای گفته است که تا ۱۵ ثور سال روان تصمیم ماندن یا رفتن از افغانستان را اعلام خواهد کرد. این نهاد هشدار می‌دهد که عواقب این تصمیم بر دوش طالبان خواهد بود. یوناما تعلیق کار زنان از سوی طالبان در نهادهای این سازمان را نکوهش کرده است.



۸۰۰ زن در دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان کار می‌کنند که ۶۰۰ تن آنان از افغانستان هستند.

سازمان ملل متحد در حالی از تصمیم پای‌بندی به اصول این سازمان و خارج شدن از افغانستان هشدار می‌دهد که حزب جمعیت اسلامی به رهبری صلاح‌الدین ربانی، خواستار ارزیابی جدی عمل کرد یوناما در کشور شده است. این حزب دوشنبه شب، ۲۱ حمل، با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده که هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان به عنوان «عیب‌پوش طالبان» عمل کرده است. در بیانیه این حزب آمده است: «جمعیت اسلامی افغانستان ضمن استقبال از اعلامیه جنبش زنان در مورد روش کاری یوناما، آن را هم‌سو با موضع خویش در مورد کارکرد این نهاد به عنوان عیب‌پوش طالبان می‌داند و یک بار دیگر از یوناما در افغانستان باید مورد ارزیابی جدی قرار گیرد و رویکرد عملی تازه‌ای جای‌گزین شیوه کاری کنونی آن شود.»

حزب جمعیت اسلامی، دفتر هیات معاونت سازمان ملل در افغانستان را «بی‌کفایت و ناتوان» خوانده و گفته است که یوناما باید شیوه کاری کنونی خویش را بازنگری کند. پیش از این انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در ماه حوت سال گذشته خورشیدی یک جلسه مجازی درباره نقش یوناما در روند دست‌یابی به صلح در افغانستان برگزار کرده بود. محمود صیقل، نماینده پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد، در آن نشست تعامل یوناما با مخالفان واقعی طالبان را مورد انتقاد قرار داد. او گفت: «سازمان ملل برای واکنش به وجود نیامده است، بلکه قرار بود از وقوع بحران جلوگیری کند.» آقای صیقل در آن نشست نقش ماموریت سازمان ملل متحد در تعامل و تسهیل گفت‌وگوها با مخالفان طالبان را کم‌رنگ عنوان کرد.

افزون بر این، شماری از سیاستمداران نیز ادعا کرده‌اند که دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان، پس از سقوط نظام جمهوریت در «گروگان طالبان» قرار گرفته است و تعامل خاصی با مخالفان این گروه ندارد. شعیب رحیم، مشاور ارشد وزارت دولت پیشین افغانستان در امور صلح، در نشست بررسی نقش یوناما در ماه حوت سال گذشته، فعالیت‌های یوناما را ناکام خواند و تاکید کرد که نباید ماموریت این نهاد تمدید شود. سیاستمداران در حالی ماموریت یوناما را ناکام توصیف می‌کنند که ائتلاف جنبش‌های زنان نیز خواستار بسته شدن

کار زنان در نهادهای سازمان ملل متحد، یوناما هشدار داده است که در مرحله انتخاب تصمیم «وحشت‌ناک» قرار گرفته است. در بخشی از بیانیه این نهاد آمده است: «از طریق این ممنوعیت، مقام‌های حاکم طالبان به دنبال این هستند که سازمان ملل متحد را مجبور سازند که بین ماندن و ارایه خدمات در حمایت از مردم افغانستان و پای‌بندی به مقررات و اصولی که ما موظف به رعایت از آن‌ها هستیم، یک انتخاب وحشت‌ناک کند.»

یوناما که پیش از این به تعامل و نرمش در برابر طالبان از سوی سیاستمداران متهم بود، در تازه‌ترین واکنش خود نسبت به ممنوعیت کار زنان در این سازمان به طالبان هشدار داده است که هر گونه عواقب منفی برخاسته از بحران موجود در افغانستان، بر دوش این گروه خواهد بود. در بیانیه این سازمان به صراحت ذکر شده است: «این امر باید روشن باشد که هر گونه عواقب منفی برخاسته از این بحران برای مردم افغانستان برعهده مقام‌های حاکم خواهد بود.» دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان درباره ادامه فعالیت این سازمان در افغانستان افزوده است که نماینده ویژه دبیرکل این سازمان بررسی عملیاتی را آغاز کرده است که تا ۱۵ ثور دوام خواهد داشت. در این مدت، سازمان ملل متحد مشوره‌های لازم را برای حضور یا ترک افغانستان مورد بررسی قرار خواهد داد. در بیانیه چنین تذکره رفته است: «روزا اوتنباپوا، نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل در افغانستان، یک دوره بررسی عملیاتی را تا تاریخ ۵ می سال ۲۰۲۳ آغاز کرده است.» براساس بیانیه این نهاد، سازمان ملل در جریان این دوره، تنظیمات عملیاتی مورد نیاز را روی دست خواهد گرفت. ادیبان به کار رفته در این بیانیه لحن بی‌سابقه تند دارد و در آن تاکید شده که در جریان دوره عملیاتی برنامه‌ریزی اضطراری را برای همه نتایج ممکن تسریع خواهد کرد. براساس این بیانیه سازمان ملل متحد، همه کارمندان این نهاد تا اطلاع بعدی به وظایف خود حاضر نخواهند شد. در بیانیه گفته شده است: «به همه کارمندان افغان اعم از زنان و مردان دستور داده شده است که به استثنای افراد محدود برای انجام وظایف حیاتی به وظایف خویش در دفاتر سازمان ملل متحد حاضر نشوند.»

سازمان ملل متحد در افغانستان دست‌کم سه هزار و ۹۰۰ کارمند دارد. در این میان سه هزار و ۳۰۰ تن آنان از شهروندان افغانستان هستند و ۶۰۰ تن دیگر از کشورهای عضو این سازمان می‌باشند. حدود

دروازه نماینده‌گی سازمان ملل متحد در افغانستان شده است.

ایتلاف جنبش‌های زنان معترض افغانستان، روز دوشنبه، ۲۱ حمل، با صدور قطع‌نامه‌ای، دفتر نماینده‌گی سازمان ملل متحد در افغانستان را «مهمان‌خانه طالبان» توصیف کرده است. دست‌اندرکاران این جنبش می‌گویند: «لطفاً دفتر معاملات سیاسی تحت نام نماینده‌گی سازمان ملل یا یوناما در افغانستان را ببندید؛ چون نمی‌توانید حتا از حقوق بشری کارمندان خویش حراست و حمایت کنید. پس فعال بودن این آدرس هیچ موثریتی به مردم افغانستان ندارد.» این ائتلاف در واکنش به ممنوعیت کار زنان در دفترهای سازمان ملل متحد در افغانستان، در ولایت‌های کابل، بامیان، تخار و بدخشان نشست‌های خبری برگزار کرد و خواستار بسته شدن دفتر یوناما در کشور شد. در قطع‌نامه آنان گفته شده است: «واضح و مشخص است که دفتر یوناما به مهمان‌خانه طالبان مبدل شده است، پس هر چه زودتر درب مهمان‌خانه طالبان را بسته کنید.» در همین حال نصیراحمد فایق، سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح هشدار دفتر معاونت هیات سازمان ملل متحد در کشور را نگران‌کننده می‌خواند. آقای فایق می‌گوید: «متأسفانه هشدار را که دفتر یوناما داده، نگران‌کننده است؛ چون طالبان بدون این‌که منافع مردم افغانستان را در نظر بگیرند، عمل‌کردشان باعث شده که یگانة نهاد سازمان ملل متحد در افغانستان که مسوولیت رساندن و هماهنگی کمک‌های بشردوستانه را به مردم مستضعف و نیازمند افغانستان دارد، با چالش مواجه شود.»

سرپرست نماینده‌گی دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد تاکید می‌ورزد که عمل‌کرد طالبان باعث شده که این نهاد به انتخاب دشوار دست بزند. آقای فایق می‌افزاید: «عمل‌کرد طالبان باعث شده که آن‌ها [یوناما] میان ترک نمودن ماموریت و اصول و ارزش‌های بین‌المللی یکی را باید انتخاب کنند که آیا به رساندن کمک‌ها به مردم نیازمند بدهند یا این‌که اصول و ارزش‌های بین‌المللی را انتخاب کنند.» آقای فایق از تلاش‌ها و گفت‌وگوهای این نهاد با طالبان نیز خبر می‌دهد. او علاوه می‌کند: «البته هنوز وقت است. یوناما تلاش دارد و همراه مقام‌های طالبان در تماس است که آن‌ها [طالبان] را قناعت بدهد که تصمیم خود را تغییر بدهند. از طرف دیگر، ارزیابی خود را به شورای امنیت ارایه کند تا در این مورد تصمیم گرفته شود. ولی در مجموع رفتن و مسدود شدن و هر نوع ممانعت باعث می‌شود که کشورهای کمک‌کننده، کمک‌هایشان را به افغانستان کم یا محدود بسازند. در نهایت مردم متضرر می‌شوند و این به نفع منافع ملی افغانستان نیست و مسوولیت آن را طالب‌ها برعهده دارند. طالبان خودشان از تمام امکانات دولتی استفاده می‌کنند، در فکر مردم نیستند و این یک جفای بزرگ به مردم افغانستان است.»

دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) در سال ۲۰۰۲ میلادی به درخواست دولت پیشین، از سوی شورای امنیت سازمان ملل به منظور کمک به مردم و دولت افغانستان برای برقراری صلح پایدار ایجاد شد؛ اما پس از فروپاشی نظام جمهوری، ماموریت این نهاد در زمینه هماهنگی کمک‌های بشری و رسیدگی به وضعیت فقر و گرسنه‌گی افزایش یافته است. سازمان ملل متحد در حالی از بسته شدن یوناما در افغانستان هشدار می‌دهد که پیش از این شمار زیادی از احزاب سیاسی و فعالان مدنی از نقش این سازمان در تعامل با طرف‌های درگیر در کشور انتقاد کرده و اقدامات این نهاد را واکنشی و خنثا خوانده‌اند. با این حال، شمار زیادی از شهروندان اقدام جدید سازمان ملل را نگران‌کننده توصیف می‌کنند. به گفته آن‌ها، در صورتی که فعالیت‌های این سازمان در کشور متوقف شود، بحران بشری در کشور شدت خواهد گرفت. در حال حاضر حدود ۲۰ میلیون شهروند افغانستان با خطر گرسنه‌گی مواجه‌اند. از این میان شش میلیون آنان در یک‌قدمی قحطی قرار دارند.

ماموریت تسکینه یوناما و دردهای افغانستان

یوناما در خیلی از موارد شبیه یک شرکت بزرگ یا کنسرسیوم نهادهای کمک‌رسانی عمل می‌کند که تطبیق برنامه‌های سالانه، تهیه پروپوزل، جمع‌آوری کمک، تضمین معاش و ادامه کار مامورانش در اولویتش قرار می‌گیرد و وظایف مندرج منشور به سود این اولویت‌های سازمانی کنار گذاشته می‌شود. اولین واکنش جدی آن سازمان در برابر فرامین طالبان در ماه جنوری امسال و پس از نزدیک به یک‌ونیم سال حرکت قهقرایی کشور رخ داد.



یونیس‌ناکه

می‌باشند و سازمان‌های جهانی و کشورها را موظف به دفاع از صلح، عدالت و ترقی اجتماعی در تمام جهان بدون تفکیک جنسیت، ملیت، رنگ و نژاد می‌کنند و آن‌ها را موظف می‌سازند که از تعامل با ناقضان حقوق بشر، جنگ‌افروزان، آدم‌کشان و نیروهای ضد ترقی دوری جویند، به فراموشی سپرده شده‌اند. آن اسناد در سازمان ملل، چون قرآن و احادیث در قندهار ابزار سیاسی شده و جز برای منافع سازمانی کنسرسیوم نهادهای کمک‌رسان و کشورهای سهام‌دار آن‌ها کار نمی‌کنند.

سازمان ملل در اعلامیه تازه‌اش تصمیم «مقام‌های طالبان» را در منع «کار زنان افغان برای سازمان ملل متحد در افغانستان... تقبیح» کرده و نوشته است که اکنون در دوراهی انتخاب وحشت‌ناک میان «ماندن و ارایه خدمات در حمایت از مردم افغانستان و پابندی به مقررات و اصولی که ... موظف به رعایت آن‌ها» هستند، قرار گرفته است. اگر سازمان ملل منشورش را رعایت می‌کرد و معافیت کارمندانش را چند ماه قبل چون پیش‌رفت مهم استقبال نمی‌نمود، در چنین دوراهی وحشت‌ناک نمی‌افتاد. اگر در جریان مذاکرات دوحه به جای ایستادن کنار معامله‌گران سیاسی، اصول منشورش را محکم می‌گرفت و از صلح، عدالت و ترقی اجتماعی حمایت می‌کرد، اکنون اعتبار بیشتر می‌داشت. در اعلامیه، سازمان ملل هشدار داده است که عواقب منفی برخاسته از این بحران «برعهده مقام‌های حاکم» است. این باور که گویا طالبان گروه مسوول است و عواقب منفی اتفاقات را می‌توان برعهده‌اش گذاشت، فریب است. طالبان «عهده» ندارند و هیچ مسوولیتی را بر دوش نمی‌گیرند. اعلامیه پر از عبارات ناامیدکننده است و نشانه‌ای در آن نمی‌توان دید که به اقدام جدی علیه طالبان در دفاع از حقوق اساسی مردم افغانستان از جمله حق کار، تحصیل، تفریح، حمام و سفر امیدوار شویم.

با تسکین کمک‌های بشری درد مردم مداوا نمی‌شود، ستم‌ها پایان نمی‌یابد و عدالت تأمین نمی‌شود. سازمان مللی که وظیفه‌اش را کاهش رنج مردم بدانده، روزی با نفرت مردم مواجه خواهد شد. کمک‌های بشردوستانه امروز هرچند زنده‌گی گروه بزرگی از هم‌وطنان ما را نجات می‌دهد، اما به اعتماد به نفس فردی و جمعی ما آسیب جبران‌ناپذیر وارد می‌کند. مردم سرفرازی که به کار و زحمت‌کشی شهرت دارند، سراسر وطن‌شان پر از اثر کار، زحمت و هنرشان است و در آزاده‌گی و خوداتکایی شهره بوده‌اند، امروز در اثر تحولات ناشی از تهاجم قدرت‌ها و جنگ‌های نیابتی به تکدی جمعی مواجه شده‌اند. ارسال آرد و روغن به خانواده‌های پرشماری که به دلیل جنگ و حاکمیت استبدادی به گرسنگی گرفتار شده‌اند، به تجارت بزرگ انجوبی و سازمان‌مللی بدل شده است. تبدیل گرسنگی و رنج یک ملت به «کار» و بی‌توجهی به تدبیر اساسی که ریشه‌های بلا را هدف قرار دهد، بشردوستی نیست.

در یک ویدیوی مستند که از زنده‌گی وطن‌داران پامیری ما ساخته شده، کاهش رنج‌های بسیار آنان یکی از تم‌های اصلی فیلم است. در سراسر فلم مردم از رنج‌های فراوان‌شان شکایت دارند. می‌گویند یک‌سوم زنان هنگام زایمان می‌میرند و نصف کودکان پیش از پنج‌ساله‌گی جان می‌دهند، داکتر و دارو در آن منطقه وجود ندارد و اکثر مردم، زن و مرد، برای تسکین دردها تریاک مصرف می‌کنند. تاجران تریاک بخش مهمی از زنده‌گی آنان شده‌اند. بدون مسکن تریاک، زنده‌گی برای‌شان بسیار سخت و گاه ناممکن به نظر می‌رسد. عبدالولی، یکی از باشندگان پامیر، در صحنه‌ای از فلم فروشنده تریاک را در خانه‌اش استقبال می‌کند، ولی بعد از ترک مسکن فروش می‌گوید: بیچاره مردم همه تریاکی شده‌اند. چاره‌ای ندارند، درد دارند و ابرای تسکین درد تریاک می‌کشند. تریاک‌فروشان شیطان‌اند. از دست تریاک بندی استیم.

رابطه مردم افغانستان با سازمان‌های کمک‌رسان نیز بهتر از رابطه عبدالولی پامیری با عرضه‌کننده‌گان مسکن تریاک نیست. مردم از کمک‌ها استقبال می‌کنند، چشم‌به‌راه محموله‌های سازمان ملل و دیگر نهادهای کمک‌رسان می‌مانند، ولی با هر بار دریافت کمک، غمگین‌تر می‌شوند.

امور صحی نهادهای بین‌المللی قابل شده بودند و خانم محمد آن معافیت را «مهم» خوانده از سفر برگشت، بی‌آن‌که پس از سفر اقدام درخوری علیه سیاست‌های ظالمانه طالبان بکند. زمانی که سازمان ملل از معافیت طالبانی ابراز خرسندی می‌کرد، میلیون‌ها زن به دلیل فرامین طالبان در خانه‌ها گرسنه‌گی، بیکاری و عذاب می‌کشیدند. یوناما نتوانسته بود مطابق منشور سازمان ملل عمل کند و برای تأمین صلح، عدالت و ترقی اجتماعی که ماموریت اصلی آن سازمان خوانده شده، تلاش و تعهد نشان دهد. از این رو، حتا در حفظ کار مامورانش نیز ناکام ماند. اکنون که معافیت کارکنان زن در یوناما از سوی طالبان برداشته شده است، دوباره جنب‌وجوش قابل توجهی برای دفاع از منافع سازمانی در ملل متحد راه افتاده است.

یک فرض خوش‌بینانه

برخی فرض را بر این می‌گیرند که نمش آن سازمان تاکتیکی برای تشویق گروه طالبان به تعامل است. اگر این فرض خوش‌بینانه را درست ببنداریم، سازمان ملل به منظور حفظ رابطه با طالبان و تسهیل چانه‌زنی سیاسی در راستای ایجاد حکومتی که برای طالبان و کشورهای ذی‌دخل قابل پذیرش باشد، صبر پیشه کرده است و فرامین ضدبشری طالبان را به امید روزی که با دادن امتیازاتی چون رسمیت امارت، این محدودیت‌ها را از زنده‌گی مردم افغانستان، به‌خصوص زنان بردارند، تحمل می‌کند. براساس این فرض، طالبان تغییر کرده‌اند و می‌دانند که بدون احترام به حقوق اساسی ساکنان افغانستان و تعامل با نیروهای مخالف، نمی‌توانند حکومت پایدار ایجاد کنند و در جامعه ملل چون عضو عادی پذیرفته شوند. لذا، فرامین ضد بشری ابزاری در دست طالبان برای چانه‌زنی است و اگر جهان به آنان امتیاز بدهد و به سمت رسمیت‌بخشی امارت‌شان حرکت کند، آنان نیز فرامین ضد بشری‌شان را به‌تدریج لغو خواهند کرد.

اما هیچ نشانه‌ای از تمایل طالبان به پذیرش نظام بین‌المللی دیده نمی‌شود. طالبان دایم تأکید کرده‌اند که قدرت را به زور گرفته‌اند، قانونی جز فرمان امیرالمومنین‌شان را به رسمیت نمی‌شناسند، هیچ قاعده‌ای جز اطاعت را در رابطه امارت و مردم قبول ندارند و همه افغان‌ها را جنگ‌جویان گوش‌به‌فرمان جهاد و آماده انتحار می‌خواهند. آنان بارها اعلام کرده‌اند که ماموریت تأمین معیشت مردم را ندارند، روزی‌ده خداوند است، زنده‌گی این‌جهانی ارزش ندارد و طالبان ماموریت دارند تا آدم‌ها را برای زنده‌گی بعد از مرگ آماده کنند. این‌ها را در خلوت و دور از چشم رسانه‌ها، یا با ترس و دیپلماسی بیان نمی‌کنند، بلکه در اسناد، سخنرانی‌ها، فرامین و اعلامیه‌های‌شان به وفور می‌توان یافت. اما چرا با تمام این شواهد و به رغم این‌همه سند، سازمان ملل و سهام‌داران اصلی آن می‌کوشند طالبان را بازو بدهند و رهنمایی و نصیحت کنند؟ پاسخ تنها می‌تواند این باشد که منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون‌های بسیاری که بر اصول و قواعد عادلانه و بشردوستانه

و امارت ملا عمر وظیفه سازمان ملل بود، امارت ملا هبت‌الله چرا بر مردم افغانستان تحمیل می‌شود؟ اگر نبود آزادی مردم عراق حمله نظامی را توجیه می‌کرد، شکنجه نزدیک به چهل میلیون افغان تا مرز مردن از گرسنگی جمعی و تبدیل این کشور به زندان بزرگی که در آن کار، تعلیم و تفریح از مردم گرفته شده است، با چه معیاری تحمل می‌شود؟

رفتار شرکتی

یوناما در خیلی از موارد شبیه یک شرکت بزرگ یا کنسرسیوم نهادهای کمک‌رسانی عمل می‌کند که تطبیق برنامه‌های سالانه، تهیه پروپوزل، جمع‌آوری کمک، تضمین معاش و ادامه کار مامورانش در اولویتش قرار می‌گیرد و وظایف مندرج منشور به سود این اولویت‌های سازمانی کنار گذاشته می‌شود. اولین واکنش جدی آن سازمان در برابر فرامین طالبان در ماه جنوری امسال و پس از نزدیک به یک‌ونیم سال حرکت قهقرایی کشور رخ داد. زمانی که در ماه سپتامبر ۲۰۲۱ طالبان کابینه بدون زن را اعلام کرد، شاهد واکنش جدی سازمان ملل نبودیم. وقتی در ۱۹ همان ماه کارمندان زن در شاروالی کابل از رفتن به کار منع شدند، اعتراض جدی از سازمان ملل ندیدیم. موسیقی منع شد، ورزش زنان «نامناسب و غیرضروری» اعلام شد، تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها اعمال شد، نام وزارت امور زنان به وزارت امر به معروف و نهی از منکر تبدیل شد و در همان ماه دختران لیسه و متوسطه از رفتن به مکتب منع شدند. این سریال محرومیت‌ها در حضور سازمان ملل تا جایی پیش رفت که دختران و زنان از رفتن به حمام هم منع شدند، اما واکنش سازمان ملل تشویق طالبان به تعامل و نصایح بسیار سطحی بود. بعد از یک سال و چند ماه نوبت کارمندان خود کنسرسیوم توزیع مسکن رسید و به تاریخ ۲۴ دسامبر ۲۰۲۲، طالبان کار کارمندان زن در انجوه‌های غیردولتی داخلی و خارجی را منع کردند. این تصمیم طالبان واکنش بی‌سابقه یوناما بر ابرائیکت و جنب‌وجوش جدی در آن نهاد از کابل تا نیویارک راه افتاد. منافع سازمانی یوناما آسیب دیده بود و ناراضی‌اش را در لحن اعلامیه و اقدامات آن سازمان می‌شد به‌روشنی تشخیص داد. برای اولین‌بار پس از به قدرت رسیدن طالبان بلندپایه‌ترین هیات سازمان ملل به رهبری امینه محمد، معاون آن سازمان، به کابل و قندهار رفت. او به همراهی سیما بچوت، مدیر اجرایی بخش زنان سازمان ملل، خالد خیری، دست‌یار دبیر کل آن سازمان در امور سیاسی و صلح‌بانی و نماینده‌گان سازمان ملل در کابل، قصد دیدار ملا هبت‌الله را داشت، ولی ملا اینان را به «حضور» نپذیرفت. در اعلامیه‌ای که آن روزها به ارتباط سفر چهارروزه هیات بلندپایه سازمان ملل به افغانستان نشر شده بود، هدف سفر را «ارزیابی وضعیت، تعامل با مقام‌های رسمی و تأکید بر همبستگی سازمان ملل با مردم افغانستان» خوانده بودند. تعامل با مقام‌های رسمی برای گرفتن معافیت کارکنان سازمان ملل از فرمان‌های ضد زن طالبان هدف اصلی آن سفر بود. طالبان نیز زیرکانه معافیت محدودی برای کار زنان در

دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان در اعلامیه تازه‌اش نوشته است که پس از اگست ۲۰۲۱ تلاش کرده است به حضور و خدمات خویش ادامه دهد «تا از رنج بی‌سابقه مردم افغانستان کاسته شود». این جمله بیانگر ماهیت حضور کنونی یوناما در افغانستان است و نشان می‌دهد که آن سازمان چه ماموریتی برای خود قایل است: کاهش رنج مردم افغانستان.

این نگاه یوناما به ماموریتش در افغانستان، با آن‌چه سازمان ملل در زمان تشکیلش در سال ۱۹۴۵ اعلام کرده بود، تفاوت بنیادی دارد. هنوز منشور اولیه آن سازمان در ظاهر معتبر است و در اعلامیه اخیر نیز از آن یاد شده و محدودیت‌های طالبانی بر فعالیت کارکنان زن آن سازمان در افغانستان با اتکا بر همان منشور غیرقانونی خوانده شده است. اما در منشور، نقش توزیع‌کننده مسکن و کاهش‌دهنده رنج انسان‌ها برای سازمان ملل تعیین نشده بود، بلکه نجات آدم‌ها از بلاهای جنگ و بی‌عدالتی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زنده‌گی بهتر وظیفه اصلی آن اعلام شده بود. در منشور سازمان ملل آمده است که «ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ... و با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها از کوچک و بزرگ و ایجاد شرایط لام برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زنده‌گی بهتر با آزادی بیشتر... مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم.»

در آن منشور، سازمان ملل یک نهاد منفعل کمک‌رسان و ناصح جنگ‌سالاران و تروریستان معرفی نشده، بلکه اعضای آن سازمان موظف گردیده‌اند تا از اقدام «قهقری» (فقره پنج، ماده دوم) آن سازمان برای تحقق اهداف ذکرشده در بالا حمایت کنند. فصل هفتم منشور به تنظیم اقدامات قهری اختصاص یافته و در آن به تفصیل از چگونه‌گی استفاده از نیروهای زمینی، بحری و هوایی علیه دشمنان صلح و عدالت و امنیت بشری سخن رفته است. در ماده ۳۹ به شورای امنیت سازمان ملل صلاحیت داده شده است تا در برابر «هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز» اقدام کند. نوع اقدامات را در مواد ۴۱ و ۴۲ توضیح داده است که شامل اقدامات نرمی چون اعمال تعزیرات و محدودیت‌های تجاری، مخابراتی و سیاسی از یک‌سو و در صورت ضرورت اقدام به حمله نظامی از طریق هوا، دریا و زمین «برای حفظ و اعاده صلح و امنیت» از سوی دیگر می‌شود. در آن منشور صحبت از اقدامات فوری نظامی و تعیین کمیته ستاد نظامی (ماده ۵۴) و طرح‌های به‌کارگیری نیروی مسلح (ماده ۵۶) شده است. در منشور هیچ نشانی از سازمان منفعل کنونی نیست که مشغول توزیع مسکن و تلاش برای کاهش دردها باشد، در افغانستان و گوشه‌های دیگر جهان بکوشد حاکمیت تروریستان، جنگ‌سالاران و دشمنان صلح و عدالت را تحمل‌پذیر نماید و راه‌های تعامل با گروه‌هایی را بیابد که مردم را به گروگان گرفته و از حقوق اساسی چون کار، تعلیم، سفر و تفریح محروم کرده‌اند.

از زمانی که ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا تصمیم گرفت نقش سیاسی طالبان را رسمیت بخشد، سازمان ملل به توجیه‌گر و راه‌صاف‌کن این جریان بدل شد و تا امروز مجری پروژه هدایت طالبان به مقام امارت رسمی، شده است. در برابر کشتار، شکنجه، تبعیض، کوچ اجباری، منع تعلیم، منع کار و دیگر سیاست‌های ضد بشری طالبان سکوت کرده یا به نشر اعلامیه نصیحت‌گونه بسنده کرده است. البته همیشه چنین نبوده است. هرگاه سهام‌داران اصلی آن سازمان لازم دیده‌اند، با استفاده از منشور و کنوانسیون‌های بین‌المللی، جنگ نیز اعلام کرده و توجیه‌گر لشکرکشی‌ها نیز شده است، همان‌گونه که در آغاز این قرن در افغانستان و عراق شاهد بودیم. اگر منشور معیار است و اصول اساسی سازمان ملل رهنمای عمل یوناما می‌باشد، چگونه این دو سال بی‌عدالتی و ستم را در افغانستان بدون هیچ اقدام بازدارنده تماشای کرده است؟ اگر دستور سرنگونی رژیم صدام حسین

فرماندهان از خویش و قوم خود رادر بست‌های دولتی مقرر کرده‌اند

همزمان با افزایش انتقادات از تقرر افراد براساس قرابت و شناخت با فرماندهان طالبان در اداره‌های دولتی، ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، طی فرمانی تقررری‌ها براساس قرابت در دواير دولتی را منع کرد. با وجود این‌که یک ماه از صدور این فرمان می‌گذرد، اما مسوولان محلی طالبان در ولایت‌های شمال کشور به‌ویژه در سمنگان، افراد نزدیک به خود را از بست‌های مهم دولتی برکنار نکرده‌اند. منابع ادعا دارند که شماری از مقام‌های محلی طالبان در سمنگان ده‌ها تن از اقارب نزدیک و روستاییان خود را در وظیفه‌های دولتی مقرر کرده‌اند. مولوی فیض‌محمد ریحان، شهردار، ملا عبدالرحمان رحمانی، رییس کار و امور اجتماعی و قاری بدر، فرمانده امنیه طالبان برای سمنگان، از مقام‌های محلی طالبان‌اند که به تقررری خویشاوندان و هم‌روستایی‌های خود در بست‌های مهم و کلیدی اداره‌های زیر کنترل گروه طالبان به‌عنوان کارمند رسمی، مته‌م‌اند. براساس اظهارات منابع، این قرابت‌ها از پسر کاکا تا هم‌روستایی را شامل می‌شود. براساس ادعای منابع، مسوولان محلی طالبان به‌صورت هدفمند کارمندان پیشین این ریاست‌ها را برکنار و به جای آنان اقارب و نزدیکان خود را مقرر کرده‌اند. به گفته کارمندان برکنار شده دولت، بیشتر افرادی که به جای آنان در این ریاست‌ها مقرر شده‌اند، حتا سند فراغت از صنف دوازدهم مکتب را ندارند، اما در رأس مدیریت‌های کلیدی تقرر حاصل کرده‌اند.

تقررری‌های واسطه‌ای والی طالبان برای سمنگان
ملا عبدالاحد مشهور به «حاجی فضلی» والی کنونی طالبان در سمنگان، باشنده اصلی ولایت هلمند است. او پس از تقرر به‌عنوان والی این ولایت، ۱۱۳ تن از نگهبانان شخصی خود را از هلمند به سمنگان آورده است. این نگهبانان شخصی والی طالبان در سمنگان، ماهانه معاش، اعاشه و مخارج خود را از ریاست استخبارات، کتدک اردوی ملی و فرماندهی امنیه طالبان در سمنگان دریافت می‌کنند. ملا عبدالاحد وابسته به گروه حقانی است که براساس فرمان مستقیم ملا هبت‌الله به جای مولوی عبدالرحمان کندزی در این سمت مقرر شده است.

یکی از کارمندان که در حکومت پیشین بیش از هفت سال در مقام ولایت سمنگان وظیفه اجرا کرده است، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که همه رییسان، آمران و مدیرانی که در حکومت پیشین در بست‌های تخنیکی و بلند مقام ولایت سمنگان وظیفه اجرا می‌کردند، از سوی والی طالبان برکنار و به جای آنان افراد غیرمسلسکی و وابسته به خودش مقرر شده‌اند. این کارمند برکنار شده، می‌افزاید که والی طالبان در سمنگان هفته گذشته خیرمحمد خیرخواه، رییس دفتر مقام ولایت سمنگان را به دلیل این‌که از قوم او نیست، از وظیفه برکنار و به جای او یک باشنده ولایت هلمند را مقرر کرده است. با وجود تلاش‌ها، نتوانستیم دیدگاه خیرمحمد خیرخواه را در این باره داشته باشیم.

اقارب و دوستان شهردار طالبان برای شهر ایبک
یک منبع معتبر در سمنگان به شرط حفظ هویتش



اسماعیل سادات

به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که مولوی محمدفیض ریحان، شهردار طالبان برای شهر ایبک، مرکز سمنگان، شش تن از اقارب و بسته‌گانش را خلاف قوانین کار، در راس مدیریت‌های این اداره گماشته است. به گفته این منبع، قاری خلیل‌الرحمان، مدیر عمومی مالی و اداری شهرداری (باجه)، حزب‌الله مشهور به مبارز، مدیر امور تنظیم مارکیت‌ها (پسر کاکا)، حبیب‌الله مشهور به خاکسار و مدیر تحصیلی مدیریت ناحیه اول (یکی از اقارب نزدیک مولوی محمدفیض) مقرر شده‌اند. به گفته منبع، با وجود این‌که حبیب‌الله سند فراغت از مکتب را ندارد، اما در حال حاضر به‌عنوان مدیر تحصیلی ناحیه اول وظیفه اجرا می‌کند.

همچنان قاری نقیب‌الله، رییس دفتر شهرداری سمنگان (پسر ماما)، فدامحمد، مدیر توزیع زمین (پسر مامی) (مسر) و قاری ستار مدیر عواید شهرداری (پسر خاله) و مدیران نواحی سه‌گانه شهرداری ایبک نیز هم‌روستایی‌های مولوی فیض‌محمد ریحان می‌باشند. به سخن منبع، قاری نقیب‌الله، رییس دفتر شهرداری سمنگان، نیز سند تحصیلی ندارد. منبع توضیح می‌دهد که کارمندان پیشین شهرداری که این بست‌ها را پیش می‌بردند، از سوی شهردار طالبان برای ایبک برکنار و به جای آنان این افراد مقرر شده‌اند. طبق اطلاعات منبع، در حال حاضر تنها یک تعداد انگشت‌شمار از کارمندان حکومت پیشین در این شهرداری وظیفه اجرا می‌کنند و بدون مشورت و هدایت بسته‌گان شهردار طالبان، صلاحیت اشتراک در نشست‌های اداری را ندارند. از سوی دیگر، همه افرادی که از سوی شهردار طالبان در این اداره استخدام شده‌اند، باشنده‌گان ولسوالی دره‌صوف پایین این ولایت هستند. شهردار طالبان برای شهر ایبک نیز از همین ولسوالی است.

استخدام‌های سفارشی رییس کار و امور اجتماعی طالبان در سمنگان

یک منبع معتبر دیگر در ریاست کار و امور اجتماعی سمنگان تایید می‌کند که مولوی عبدالرحمان رحمانی، رییس ریاست کار و امور اجتماعی طالبان در سمنگان،

قاری بدر، فرمانده امنیه طالبان در سمنگان، در جریان هشت ماه گذشته بیشتر مدیران کلیدی این فرماندهی را از وظیفه برکنار و به جای آنان اقارب و هم‌روستایی‌های خود را از ولایت کندز خواسته و در این نهاد امنیتی مقرر کرده است.

۱۰ تن از اقارب و هم‌روستایی‌های خود را بدون سپری کردن آزمون در این ریاست مقرر کرده است. منبع می‌گوید که پس از آغاز حاکمیت طالبان بر کشور، ۱۰ تن از کارمندان حکومت پیشین این اداره از سوی مولوی عبدالرحمان رحمانی با اعمال فشار واقع شدند تا مجبور به کناره‌گیری شوند. به گفته منبع، مولوی رحمانی به آنان اجازه نمی‌داد تا حضری خود را امضا کنند تا این‌که به دلیل غیرحاضری، منفک شدند.

افرادی که از سوی مولوی عبدالرحمان رحمانی در ریاست کار و امور اجتماعی مقرر شده‌اند، قرار ذیل‌اند: اسام‌الدین مجاهد، مدیر منابع بشری (خسربره)، ذبیح‌الله، مدیر مالی و اداری (پسر ماما)، محمدصفا، کارمند اداری، عبدالپذیر، قدرت‌الله، محمدحارث، عبداللله و محمدموسا هم‌روستایی‌های رییس کار و امور اجتماعی ولایت سمنگان. طبق اظهارات منابع، این افراد بدون سپری کردن امتحان از سوی مولوی عبدالرحمان رحمانی در این اداره استخدام شده‌اند. در ادامه این منبع علاوه می‌کند، کارمندیانی که از این ریاست برکنار شده‌اند، هر کدام آنان بیش از ۱۰ سال تجربه کاری داشتند و وزارت کار و امور اجتماعی برای بلند بردن ظرفیت کاری آنان ده‌ها برنامه علمی و آموزشی را برگزار کرده بود. آن کارمندان کارکنان اما پس از تقررری اقارب و بسته‌گان رییس اداره، خانه‌نشین شده و افرادی که به جای آنان مقرر شده‌اند، اکنون به‌شکل مسلح به وظیفه‌های خود حاضر می‌شوند.

افرادی که از سوی مولوی عبدالرحمن رحمانی، رییس کار و امور اجتماعی طالبان در این اداره استخدام شده‌اند، باشنده‌گان ولسوالی روی‌دوآب هستند و پیشینه عضویت در گروه طالبان را دارند. از آن‌جایی که فاصله راه میان دفتر کار و روستای آنان زیاد است، بیشتر آنان شب را در آمريت پرورشگاه ولایت سمنگان سپری می‌کنند. این امر سبب نگرانی شماری از خانواده‌هایی شده است که کودکان آنان در این پرورشگاه زنده‌گی می‌کنند.

مقررری‌های شخصی فرمانده امنیه طالبان برای سمنگان

براساس اظهارات منابع معتبر، قاری بدر، فرمانده امنیه طالبان در سمنگان، در جریان هشت ماه گذشته بیشتر مدیران کلیدی این فرماندهی را از وظیفه برکنار و به جای آنان اقارب و هم‌روستایی‌های خود را از ولایت کندز خواسته و در این نهاد امنیتی مقرر کرده است. طبق اظهارات این منابع، در حال حاضر به شمول فرماندهان امنیه ولسوالی‌ها، ۲۵ تن از اقارب و هم‌روستایی‌های قاری بدر در ولایت سمنگان وظیفه اجرا می‌کنند.

در جریان ماه حمل امسال منابع موثق به روزنامه ۸ صبح گفته‌اند که می‌عبدالرحمان صالح، سکرتر فرمانده امنیه سمنگان که یکی از افراد نزدیک به این فرمانده است، در دفتر کارش بالای یکی از منسوبان زن تجاوز جنسی کرده است. دفتر فرماندهی امنیه سمنگان اما با نشر اعلامیه‌ای این ادعا را رد کرده و بی‌بنیاد خوانده است. گذشته از ادعای تجاوز جنسی، اما قرابت سکرتر فرمانده امنیه سمنگان با این فرمانده بحث دیگری است که تقررری‌های واسطه‌ای طالبان را نشان می‌دهد.

واکنش‌ها به مقررری‌های واسطه‌ای مسوولان طالبان در سمنگان

شماری از کارمندان برکنار شده شهرداری شهر ایبک از وساطت و تقرر افراد براساس تقرب و شناخت انتقاد می‌کنند. یکی از کارمندان اداری پیشین شهرداری ایبک که حدود ۱۰ ماه پیش برکنار شده است، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «بیش از پنج سال در بست‌های مختلف وظیفه انجام داده بودم. بعد از تسلط طالبان و فشار شاروال طالبان در سمنگان بالای کارمندان سابقه‌دار، بسیاری از کارمندان سابقه از ریاست شاروالی یا برکنار شدند و یا وادار به استعفا شدند». این کارمند برکنار شده می‌افزاید که شهردار طالبان در شهر ایبک همه اقارب و نزدیکانش را در مربوطات شهرداری استخدام کرده است و به کارمندان سابقه اعتماد ندارد.

از سوی دیگر صفت‌الله اندیشور، یکی از فعالان مدنی و استاد دانشگاه پیشین در ولایت بلخ، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در حال حاضر همه بست‌ها به جز ملاها به کسی دیگر سپرده نمی‌شود. به گفته او، همه بست‌های مسلکی که در دوره جمهوریت وجود داشت، اکنون به افراد طالبان تعلق گرفته و حتا در بست‌های سخنگویی و تکنالوژی نیز ملاها استخدام می‌شوند. این فعال مدنی می‌افزاید که طالبان همواره اعلام می‌کردند که هدف حکومت آنان مبارزه با فساد و ایجاد حکومت برابری است، اما برعکس پس از تسلط بر افغانستان فساد را در کنار غارت معادن پیشه کرده و افراد خود را بدون سپری کردن امتحان در بست‌های مسلکی استخدام می‌کنند. او علاوه می‌کند که این روش طالبان سبب فساد گسترده در اداره‌های دولتی شده است.

هرچند خواستیم دیدگاه عبدالله هوتک، آمر دفتر مطبوعات مقام ولایت طالبان در سمنگان را درباره این مقررری‌ها داشته باشیم، اما او و سایر مسوولان محلی طالبان در مورد مقررری اقارب و هم‌روستایی‌شان و عدم تطبیق فرمان رهبر این گروه، حاضر به گفت‌وگو نشدند. این در حالی است که ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، طی فرمانی مقررری‌ها براساس روابط را منع کرده است. از این فرمان رهبر طالبان نزدیک به یک ماه می‌گذرد. بیشتر فرماندهان و مسوولان بلندپایه طالبان اعلام کرده‌اند که افرادی را که براساس قرابت و یا واسطه در اداره‌های خود مقرر کرده بودند، برکنار کرده‌اند. مقام‌های محلی طالبان در ولایت‌های شمال به‌ویژه در سمنگان تاکنون این فرمان ملا هبت‌الله را تطبیق نکرده و هیچ فردی که بنا بر قرابت‌ها در اداره‌های محلی مقرر شده بودند، از وظیفه برکنار نشده است.

صدها هزار افغانی پول نیز به آنان زبان مالی وارد کرده‌اند. وزیراحمد، یکی از کست‌فروشان در مارکیت «حضرت‌ها» در شهر نو هرات، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که از ۱۵ سال به این سو مشغول ضبط و فروش کست بوده و از همین رهگذر نفقه خانواده‌اش را تأمین می‌کرد. این کست‌فروش می‌افزاید: «چند سال می‌شود که همین کسب من و صدها نفر دیگر در این مارکیت است. حالا طالبان می‌گویند دکان‌ها را تخلیه کنید و دیگر کست نفروشید. اگر ادامه می‌دهید، تنها کست ترانه‌های دینی و سرودهای مذهبی بفروشید و بس.»

ادامه در صفحه ۷

محدودیت طالبان بر کاسبان؛

کست‌فروشان و صاحبان گیرزون‌ها بیکار شده‌اند

۸ صبح، هرات

ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان در هرات در کمتر از یک ماه گذشته فعالیت کست‌فروشی‌ها، انترنت‌کلب‌ها و گیرزون‌ها را منع کرده است. وضع این محدودیت‌ها سبب شده که هزاران کاسب خانه‌نشین شوند. هرچند محتسبان امر به معروف طالبان در هرات

به انترنت‌کلب‌ها مجدداً اجازه فعالیت داده‌اند، اما کاسبان گیرزون‌ها، کست‌فروشان و کافه‌ها هنوز هم اجازه فعالیت دریافت نکرده‌اند. این کاسبان می‌گویند که محدودیت‌های طالبان بر کاسبی آنان سبب شده که بیشتر آنان زیان‌مند شوند و هیچ کسی حاضر نیست وسایل آنان را خریداری

نکاتے دریاب اسلام و...

چهارده) مدرنیته نتوانسته است شرایطی کاملاً ایده آل به میان بیاورد. برده داری به صورت عریان گذشته اگر به پایان رسیده و یا در حال پایان یافتن است، اما انواع دیگری از برده داری که صورت تلطیف شده تری از آن و متناسب با شرایط کنونی دنیاست هنوز وجود دارد. میلیون ها برده جنسی، برده فکری، برده اقتصادی و برده اجتماعی هنوز در سراسر جهان وجود دارند. اساساً عدالت به معنای ایده آل آن هنوز دور از دسترس است و انواعی از نابرابری از شرق تا غرب جهان وجود دارد که فرودستان را در مقام برده فرادستان قرار می دهد و وضعیت های ناخواسته ای را بر آنان برای تمام عمر تحمیل می کند. این وضعیت در کشورهای جهان سومی و توسعه نیافته شدیدتر است؛ اما حتی در کشورهای توسعه یافته که سطح زندگی تا حدی بهتر است، برده گی انسان ها به خاطر خانه و سرپناه در برابر بانک ها، برده گی کارگران در برابر شرکت های بزرگ و برده گی شهروندان در برابر استبلشمنت های قدرتمند همچنان ادامه دارد.

پانزده) به رغم کاستی هایی که در جهان مدرن وجود دارد، پیشرفت های بشر در مسیر احقاق حقوق اساسی اش امیدوارکننده و ستودنی است، به ویژه به رسمیت شناخته شدن اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون های مرتبط که صورت تقریباً جهان شمول پیدا کرده و یکی از گام های اساسی در تمام تاریخ بشر است. لغو برده داری به صورت رسمی و غیرقانونی شدن آن، دست کم در صورت کلاسیک، یکی از مبارک ترین رویدادهای عصر مدرن است که انسان را به رسیدن به آزادی واقعی یک گام نزدیک تر کرده است. از این رو، هر گونه نرمال سازی و هنجارین نشان دادن برده داری، چنان که در صحبت های آن ملای سلفی دیده می شود و چنان که داعش به صورت خشن در مناطق تحت حاکمیت خود برای مدتی به اجرا گذاشت، از ندادی وحشتناک به عصر ستم های گذشته و اعلان جنگ با انسانیت است. چنین ندهایی چه از سوی ملاحی سلفی مطرح شود، چه حنفی و چه از هر فرقه و نحله دیگر باید شدیداً محکوم شود، و برای ریشه کن کردن این تفکر باید از هیچ کوششی دریغ نوزیم. دعوت به برده داری یا نرمال سازی آن رویکرد نادرست و غیراخلاقی است.



کرد و تقلیل دادن همه پیروان آن ها را به گروه های افراطی و خردستیز غیرمنصفانه خواند؛ اما نوبت به اسلام که برسد هر دو پا را در یک موزه کرد و جیغ و داد به راه انداخت که هیچ اسلامی غیر از اسلام طالبان و داعش را قبول نداریم.

هجده) گفته می شود که قرائت مدرن و نوگرایانه از اسلام از این رو نادرست است که برخلاف ظاهر متن است. این استدلال به ظاهر درست است، اما بسیار عامیانه است. تنها بی سوادها، چه مذهبی باشند و چه سکولار، معنای ظاهری متون را مبنا قرار می دهند. هر آدم باسوادی می داند که تمام متون دینی جهان، و حتی متون غیردینی متعلق به حوزه ادبیات، فلسفه و دیگر معارف انسانی، مورد تأویل های متعدد قرار گرفته است و انسان های عاقل به معنای تحت اللفظی آن ها بسنده نکرده اند. اندکی دانش ادبی و زبان شناسی کافی است تا جایی برای بحث و مناقشه در این باره نگذارد. در تاریخ اسلام نیز عبور از ظاهر متن از همان زمانه صحابه اندک اندک آغاز یافت و با معتزله و فلاسفه و عرفا دم و دستگاه نظری عریض و طویلی پدید آمد با پیدایش گنجینه عظیم از نظریات دینی. کجای این کار عاقلانه است که برداشت چند ظاهرگرا از متن دینی معتبر دانسته شود و تأویل های فاریابی، ابن سینا، مولانا، ابن عربی، فخر رازی، قاضی عبدالجبار، عین القضات، سهروردی، ابن رشد و دیگر بزرگان اندیشه در تاریخ اسلام نامعتبر تلقی شود، و با این کار به سلفیت و قشری گری خدمات مفت و رایگان ارائه گردد. اگر قرائت ظاهرگرایان به متن دینی تکیه دارد قرائت رفرمیست ها و نوگرایان هم به متن دینی تکیه دارد؛ اما مکانیسم های تأویلی شان متفاوت است.

نوزده) گفته می شود که قرائت نوگرایانه از اسلام به جایی نرسیده است و در آینده نیز به جایی نمی رسد و از این رو نباید وقت خود را با آن به هدر داد. این سخن درست نیست. هم اکنون بخش های وسیعی از جهان اسلام با قرائت افراطی و بنیادگرایانه از اسلام

شانزده) رویکرد نادرست دیگر در این زمینه برخورد احساساتی و عقده های شماری از به اصطلاح باسوادان ما با این موضوع است. آنان در اثر تجربه های تلخ از طالبان افغانستان و ملایان ایران و آن چه از گروه های بنیادگرای اسلامی مانند داعش و بقیه رخ داده است، دین اسلام را در زمینه امور قابل انتقاد مانند برده برداری، منحصر به فرد دانسته و تافته جدا بافته از ادیان دیگر می دانند. از آن گذشته، هر گونه تلاش اصلاحی در درون اسلام را نادرست خوانده و از هر قرائت و تفسیری از آن که سازگار با اخلاق و عقلانیت باشد به خشم می آیند و همصدا با داعش و طالبان بر یک طبل می کوبند که اسلام واقعی همین احکام خشن و غیراخلاقی است و هر کس که تفسیر دیگری از آن داشته باشد باید ساقش کرد.

هفده) اگر ارائه نسخه عقلانی تر و اخلاقی تر از اسلام نادرست باشد، باید همه تلاش های رفرمیستی در مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، بودیسم و سایر ادیان، و حتی ارائه هر قرائت متفاوت از جریان های فکری معاصر را هم نادرست یا فریبکارانه تلقی کرد. اگر نماینده اصیل اسلام محمد عبده، اقبال لاهوری، نصر حامد ابوزید و امثال اینان نیستند، بلکه ملا عمر، علی خامنه ای، ابوبکر البغدادی و امثال آنان هستند، در این صورت باید گفت که نماینده اصیل مسیحیت نیز مارتین لوتر و مارتین لوتر کینگ و نلسون ماندیلا و مادر تریزا نیستند، بلکه کشیشان متعصب و فاشیست های دست راستی هستند، و نماینده اصیل هندوئیسم مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو و رابیندرانات تاگور نیستند بلکه متعصبانی هستند که گاندی را به قتل رساندند، و نماینده یهودیت کسانی مانند اسحاق رابین که قصد مدارا با غیریهودیان را دارند نیستند بلکه یهودی واقعی همان کسی است که او را ترور کرد، و نماینده چپ و کمونیسم آدورنو و هورکهایمر نیستند بلکه حفیظ الله امین، انور خوجه، استالین و مائو هستند. اما واقعیت این است که در درون هر دین و جریان فکری تنوع چشم گیری وجود دارد، پاره ای از آن ها با اخلاق و خرد سازگار هستند و پاره ای ناسازگار. بسیار نامعقول و پارادوکسیکال است که از رفرمیست های دیگر ادیان و جریان ها ستایش

محدودیت طالبان بر کاسبان...



همچنان ده ها کست فروش دیگر در مارکیت حضرتها شکایت مشابه دارند و می گویند که صدها هزار پول آنان در این کسب بند است و طالبان باید وضعیت آنان را درک کنند. نذیر، کست فروش دیگری در هرات، توضیح می دهد که برای حل این مشکل گروهی از کست فروشان نزد رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان

در هرات مراجعه کرده و نگرانی خود را با او در میان گذاشته اند. به گفته او، کست فروشان گفته اند که حاضرند اتحادیه شکل دهند و زیر نظر ریاست اطلاعات و فرهنگ طالبان فعالیت کنند، اما پاسخ قناعت بخش از سوی رییس اطلاعات و فرهنگ این گروه دریافت نکرده اند. این کست فروش علاوه می کند: «بیش از دو هزار نفر بیکار می شوند. اکثریت تا ۲۰ سال می شود در این کار مصروف هستند. از یک طرف مال به گردن ما تاوان شده و از طرف دیگر بیکار شده ایم.»

در کنار کست فروشی ها، فعالیت گیم زون ها در هرات نیز به تازگی منع قرار گرفته است. فردوس، باشند هرات است که پیش از این مسوولیت یکی از کافی شاپ ها را برعهده داشت. او پس از بسته شدن کافی شاپ ها از سوی طالبان، یک گیم زون باز کرده و از این طریق چرخه روزگارش را می چرخاند. این باشند هرات می گوید که

مخالفند و اگر مردم حق انتخاب داشته باشند اکثریت مسلمانان جهان به گروه های افراطی رأی نمی دهند. این که از دوران جنگ سرد به این سو بنیادگرایی رشد گسترده ای داشته است همش به متن دینی بر نمی گردد. عامل اول و بسیار مؤثر در خلق این وضعیت سیاست و ساختار قدرت در نظام بین الملل بود. اگر حمایت های کشورهای سرمایه دار جهان از بنیادگرایی و استفاده ابزاری از آن در برابر رقبای شان نمی بود، این پدیده به هیچ صورت به این گسترده گی نمی رسید. عوامل ریز و درشت دیگری نیز وجود دارد. چنانکه ژیل کوپل در کتاب اراده خداوند توضیح داده است که بنیادگرایی نوعی واکنش به تحولات مدرن است که در دیگر ادیان هم اتفاق افتاده است. از همین رو و با در نظر داشت همین تجربه، کسانی مانند یورگن هابرماس به بازنگری در رابطه مدرنیته با اصل دین تأکید کرده اند. البته عواملی مانند قابلیت متن، سنت کهن دینی، زیرساخت های فرهنگی و مانند این ها را، که به درجاتی سهم خود را در این وضعیت داشته اند، نمی توان نادیده گرفت.

بیست) اسلامی که امروز در دسترس ما قرار دارد چهارده قرن در بستر رودخانه تاریخ با خس و خاشاک و لای و لجن فراوانی آمیخته شده تا به ما رسیده است. این اسلام تاریخی که ترکیب ناهمگون از کار فقیهان و متکلمان و تلاش پادشاهان و گروه های سیاسی متنازع و فولکلور عامیانه است، نیاز اساسی به تصفیه و رفرم دارد. این رفرم از بازنگری در دستگاه های تأویلی متون درجه اول شروع می شود و تا مطالعه انتقادی میراث فکری مسلمانان در طی چهارده قرن گذشته، بازسازی الاهیاتی متناسب با یافته ها و داده های علمی نوین، جاگزین ساختن فقه با حقوق، مبنا قرار دادن فلسفه اخلاق در قانون گذاری و تلاش های زیربنایی و اجتناب ناپذیر دیگری امتداد می یابد. البته لازم است از یاد نبریم که بخشی از آن چه داده های علمی نوین می شماریم از نوع انگاره ها و فرضیه هایی است که تا اطلاع ثانی اعتبار دارد و نه به صورت ابدی و جاودانی. دانش بشری هنوز در فهم و کشف همه جانبه جهان راه دور و درازی در پیش دارد؛ اما عجلاناً باید دستاوردهای آن تا حال حاضر را به رسمیت شناخت و نگذاشت که قرائت های علم ستیزانه و خردگرایانه از دین در جوامع مسلمان مانع توسعه و بهبود زندگی مردم شود. در همین راستا، برخی از احکام شرعی که تحولات زمان منسوخ شان کرده است، مانند احکام برده داری و کنیز گرفتن و مانند این ها باید برای همیشه به موزیم تاریخ سپرده شود.

هنوز چند ماهی از آغاز کار جدیدش نگذشته بود که سرمایه گذاری او در این بخش دوباره نابود شده است. این باشند هرات که دو بار ضربه وضع محدودیت های طالبانی بر کاسبان را متحمل شده است، علاوه می کند: «کافی شاپم را که پنج لک مصرف کردم بالايش، بستند. برای سپری کردن روزگار، گیم زون ساختم تا مصروف باشم. طالبان این کار را هم گرفته اند. سرمایه هم رفت و حالا مجبورم به ایران برای کارگری بروم، دیگر چاره نمانده است.»

محدودیت های تدریجی طالبان بر کاسبان در هرات از مدتی به این سو ادامه دارد. محتسبان ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان حدود شش ماه پیش فعالیت کافی شاپ ها را نیز در این ولایت منع کرده اند. استفاده از قلیان در هرات یک امر معمول به شمار می رود. بیشتر جوانان و بزرگ سالان اوقات بیکاری را در کافه ها با دود کردن قلیان سپری می کنند. طالبان فعالیت این کافه ها و استفاده از قلیان را در خزان سال گذشته خورشیدی در هرات منع کرده اند. با این همه آمار مشخصی از شمار کست فروشی ها و گیم زون ها در

شهر هرات وجود ندارد، اما طبق اظهارات باشندگان هرات، در سال های گذشته هزاران باشند این ولایت از همین رهگذر مخارج زنده گی را تأمین می کردند. با این حال، آگاهان مسایل اقتصادی شیوه برخورد طالبان با کاسبان را غیرمسلسلی توصیف می کنند و می گویند که حاکمان کنونی باید به جای اشتغال زدایی، برای شهروندان اشتغال زایی کنند. فیصل (نام مستعار) استاد دانشگاه در هرات، به روزنامه ۸ صبح می گوید که طالبان باید نخست شغل های جای گزن برای کاسبان در نظر بگیرند و سپس بر کاسبان محدودیت وضع کنند. این استاد دانشگاه می افزاید: «طالبان باید شغل بدیل ارابه می کردند تا این کمیت بزرگی که در چند روز گذشته شغل های شان را از دست داده اند، به کارهای دیگر مصروف می شدند. با چنین تصمیم های طالبان، سرمایه گذاری آنان نیست و نابود می شود.» آقای فیصل علاوه می کند که طالبان باید با توجه به بحران اقتصادی و معضل بیکاری در کشور در صدد ایجاد مشاغل جدید برای شهروندان باشند تا این که کاسبی آنان را منع قرار بدهند.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محق
سرمدیر: حسیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش ها: فهیم امین

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.bahesh@8am.media

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepahr@gmail.com
نشانی پستی: ۰۲۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه ۸ صبح است.
سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashtSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

سرگئی آکسیونوف، رہبر شبہ جزیرہ کریمہ و یکی از نزدیک ترین افراد به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیہ، اعلام کرده است کہ امکان دارد بہزودی بر این شبہ جزیرہ حملہ شود۔
یورو نیوز گزارش داده است کہ آکسیونوف روز سہشنبہ، ۱۱ اپریل، در جمع شماری از خبرنگاران گفتہ است کہ نیروہای روسی در کریمہ دفاع مدرن و عمیقی تدارک دیدہاند و بہ اندازہ کافی نیرو و تجهیزات چہت دفع ہرگونہ حملہ احتمالی وجود دارد۔
وی بہ شہروندان روسی قول داده کہ نظامیان از این شبہ جزیرہ در برابر «تجاوز دشمن خارجی» محافظت خواہند کرد۔ رئیس جمہور اوکراین، بار دیگر بر قصد کی یف برای بازپس گیری شبہ جزیرہ کریمہ تاکید کرد۔

صبح ۸
روزت دہروز آئینہ امروز نوبت فردا

روایات ابوزیتون

در زکرت خصایل کوک ملا شیخ متورالہ

و اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرگفتار و بلبان باغ معانی و سخن چینان عرصہ سخنانی، توسن سخن را چنین تاختہاند کہ اندر بلاد جنوبی آنجا کہ اسمش بود اراکوزیا، در خانہ مردی پرسی بہ دنیا تشریف فرما شد و چین دہان پدر از آن کہ در خانہ اش دختری نشدہ بود، تا سفلائی سرش عقب رفت۔ اما این پسر را صورت گونہای دیگر بود۔ او از شکم مادر با ریش بلند زادہ شدہ بود۔ از آنجا کہ از مہابت صورتش قابله در جا بہ رحمت حق شتافتہ بود، اسمش را گذاشتند ہیبت اللہ۔ این پسر چون بہ مرحلہ نوباوہ گی رسید، هیچ اراکوزیایی را زہرہ آن نبودی کہ بر صورت وی نگریستی۔ عدہای گویند میلی بہ دیدار ہم نبودہ است، کہ دروغ است و در آن بلاد میلان بہ دیدار نوباوہگان بسیار باشد۔ در شش سالہ گی او را بہ مکتب خانہ کردند و آخوند را گفتند پسر را تلمذ کند۔ آخوند با ترس و لرز بر وی بدید و بگفت کہ این مرا تلمذ نکنند، خانہ صد پدرش آباد باد۔ و چنین بود کہ او آموختن را پیشہ کرد۔ روزی آخوند بہ وی آموخت: ضربا زید عمروا۔ ہیبت از وی پرسید: یا آخوند، چرا زید عمرو را زد؟ آخوند گفت: یا شاگرد، من چہ دانم کہ زید از بہر چہ عمرو را زد! من از پدر خویش چنین شنیدم و بر تو آموختم۔ گویند ہیبت اللہ را خشم چون شیر کرزی فوران زد و کمر آخوند گرفتہ و سوزن بہ اسافلش فرو کردی کہ از زید رشوت گرفتی و نمی خواہی حق عمرو را از وی باز ستانی۔ گویند آخوند بہ حیلتی خودش را از چنگ وی رہانید و تا طیارہ تیل داشت از منطقہ فرار بکرد۔ چنان بود کہ مسجد و مسند درس ہیبت اللہ را ماند و او در آنجا ہم استاد بود و ہم ہر چیز دیگر۔ پس چون بہ مرحلہ پختہ گی برسید، در سلک یاران آخوندی قرار بگرفت کہ او را لوی ملا گفتندی و یک چشم در راہ خدا قربان کردہ بودی۔ باری لوی ملا ہیبت را بگفت: ای شیخ، بیا کہ عزم سفر کنیم۔ پس با وی بہ سفر اندر شد۔ چون بہ سرزمین ہلمندان شدند، مزرعی وسیع دیدند گیہان فراوان رویدہ و خوش بویدہ۔ بر ہر گیہی میوہای بہ قدر یک مشت۔ پس لوی ملا در حال، سجدہ بر زمین برد۔ شیخ ہیبت او را پرسید: یا شیخ، از بہر چہ سجدہ بنمودی؟ لوی ملا جواب بداد: سبب را دیدم کہ بر بتہای نمو کردہ، پس بہ قدرتہای باری تعالا سجدہ کردم۔ پس عزم خوردن آن سببہای رویدہ بر بتہ بکردند۔ چون مقداری بخوردند، رعشہ و نشنہ آنان را در بر گرفت۔ پس لوی ملا روی بر ہیبت بکرد و بگفت: یا شیخ، بیا تا با ہم کاری کنیم کہ کیف ما را بیشتر کوک کند۔ همان بود کہ با ہم نشستند و تحریک کردند؛ یعنی تحریک برپا کردند و اسم آن را گذاشتند تحریک طالبان۔ یعنی طالبان را تحریک نکنید، ورنہ در بلا بمانید۔ روایت است کہ این تحریک دمار از روزگار ہزاران کس بدر کرد و اینہا را کیف بیشتر کوک گشت۔ پس چون لوی ملا بہ فنا رفت، ہیبت را دل خوش گشت کہ او را برجای وی کنند؛ اما دیگری را بالا کردند کہ نامش شیخ ابومنصور اختری بود۔ شیخ ما ہیبت را دل شکستہ گشت و گوشہ عزلت گزید۔ اما روایت است کہ آن شیخ نیز عمری نکرد و بہ اسفل و سافلین واصل شد۔ پس امرا و خوانین گفتند چہ کسی را علم کنیم۔ ہمہ متفق بر شیخ ہیبت شدند۔ و آن زمانی بود کہ شیخ چندین سال پشت بہ مردم کردہ و عزلت گزین شدہ بود۔ گویند چو بہ طلب شیخ رفتند، دیدند کہ پشت بہ مردم بہ دیواری خیرہ است۔ گفتند یا شیخ، چہ در دیوار می بینی، ما را نیز برگو۔ فرمود: ہجدہ ہزار راز بر من مکشوف گشت از این دیوار۔ دست بہ دامنش شدند تا یک راز برگوید۔ پس فرمود: یک راز این است کہ این دیوار از گل خام درست شدہ و آن را پخسہ گویند۔ روایت است کہ از مہابت و سنگینی این راز دہ ہزار مرید خشک خویش دریدند و بر سر کشیدند، پس چنین بود کہ او را بر مرتبت رہبری جلوس دادند؛ اما او همچنان پشت بہ کسان بود۔

از ابن رواق منقش روایت است کہ او فرمود کہ از پدر خویش ابو اضلاع مکعب شنیدم کہ باری مریدان طمع در دیدار شیخ بستند۔ دست التجا بہ تنبان خواص بردند کہ ما را دیدار شیخ باید۔ پس شیخ استدعای ایشان اجابت بکرد و روزی در انظار ظاہر بشد، چنان کہ پشت بر مریدان بودی۔ مریدان بگفتند یا شیخ، چنان کہ می آیی، ما را گمان است کہ می روی۔ پس شیخ در جا فی البدیہہ سرود:

شعر: من بہ خود نامدم امروز کہ بہ خود باز روم ہر کہ آورد مرا حالا بباہد ببردم بہ کوتہ
گویند از مہابت این شعر مولانا جلال الدین رومی در گور خویش لرزید و عہد بست کہ دیگر شعر نگوید۔ جایی دیگر نیز بفرمود:

شعر: رفتن و آمدنم آمد و رفت دیگر است گاہ چو یعقوب روانم گاہی سراج دوانم

از شیخ ما کرامات زیادی بہ ظہور پیوستہ است۔ باری مریدان از وی پرسیدند: یا شیخ، وحدت ملی چہ باشد؟ شیخ لختی بیندیشید و بگفت: چیزی شبیہ شوربای ترکی باشد کہ در وی ترکیاری نیندازند۔ بگفتند: پس چگونہ وحدت ملی باشد؟ بگفت: آن خود حکایت دیگری است کہ در نسخ محفوظ است۔

می گویند چون زمان شیخ بہ سر رسید، مریدان را بخواست و بگفت کہ خواہید شما را نصیحتی کنم کہ پس از مرگ من، زندہ گی بہ کامتان باشد؟ ہمہ مریدان یک صدا گفتند: نہ ای شیخ، این لحظات آخر عمر رعیت را راحت بگذار۔ پس شیخ در دم جان سپرد و رعیت نفسی بہ راحت کشید۔



طنز سیاسی



بایدن دستور برقی سازی ۵۴ درصد از موتورهای فروخته شده تا ۲۰۳۰ را صادر می کند



قرار است جو بایدن، رئیس جمہور امریکا، بہ ہدف کاهش آلودہ گی ہوا دستور برقی سازی ۵۴ درصد از موتورهای فروختہ شدہ تا ہفت سال آیندہ را در ہفتہ جاری صادر کند۔
آسوشیتد پرس روز دوشنبہ، ۱۰ اپریل، گزارش دادہ کہ این دستور در چارچوب محدودیتہای سختگیرانہ جدید برای مبارزہ با آلودہ گی ہوا صادر می شود۔
برپایہ دستور تازہ جو بایدن، آمار ۵۴ درصد موتورهای فروختہ شدہ برقی در امریکا باید تا سال ۲۰۳۲ بہ ۶۷ درصد افزایش یابد۔ دستور تازہ جو بایدن گام مہم در راستای تحقق وعدہ او برای کاهش انتشار گازہای گلخانہای است۔
جزئیات دستور تازہ رئیس جمہور امریکا ہنوز ہمگانی نشدہ است۔

ارزیابی ہا نشان می دہد کہ با توجہ بہ فروش ۷.۲ درصدی از مجموع موتورهای ساختہ شدہ برقی در سہ ماہ نخست سال جاری میلادی، صنعت موتورسازی برقی با ہدافتی کہ دولت امریکا تعیین کردہ است، راہ درازی در پیش دارد۔
آلودہ گی ہوا از چالشہای بزرگ جہانی است کہ کشورہای صنعتی را واداشتہ تا تولید گازہای گلخانہای را کہ سبب گرم شدن بیشتر زمین می شود، بہ حد نہایی کاهش دہند۔

یک جنگ جوی تی تی پی ۵ نظامی پاکستان را کشت

در تیراندازی یک جنگ جوی تحریک طالبان پاکستان (تی تی پی) ۴ افسر پولیس و ۱ فرماندہ شبہ نظامی وفادار بہ دولت این کشور کشتہ شدند۔

ای بی سی نیوز بہ نقل از نوید شاہ، یک مقام پولیس پاکستان، گزارش دادہ کہ این رویداد صبح روز سہشنبہ، ۱۱ اپریل، در جریان عملیات مشترک پولیس، نیروہای مرزی و شبہ نظامیان طرفدار دولت رخ دادہ است۔

این عملیات بہ دنبال افشای محل اختفای یک جنگ جوی تی تی پی کہ نہادہای امنیتی پاکستان بہ دنبال او بودند، راہاندازی شدہ بود۔

گفتہ می شود کہ نیروہای شامل عملیات در ابتدا از این جنگ جوی تی تی پی خواستند تا خود را تسلیم کند، اما او بہ تیراندازی پرداخت کہ در نتیجہ آن ۵ نظامی پاکستان کشتہ شدند۔

این جنگ جوی تحریک طالبان پاکستان سپس در تیراندازی نیروہای نظامی این کشور کشتہ شد۔

از سوی دیگر، دان، از رسانہہای پاکستان، گزارش دادہ کہ این رویداد در ساحہ کوچک جنوب شہر کویتہ رخ دادہ است۔

در ماہہای اخیر میزان خشونت ہا در پاکستان افزایش یافتہ است۔ در آخرین مورد، در دو رویداد بمب گذاری روز گذشتہ در این کشور ۴ تن کشتہ و ۲۲ تن دیگر زخمی شدند۔